

ترجمه و جمع آوری مهرانوش کیان

## فتح الاسلام چه کسانی هستند؟

تاریخچه کوتاه گروه فتح الاسلام

رهبر این گروه "شاکر ال عباسی" نظامی فراری است. او در یکی از اردوگاه های پناهندگان فلسطینی در اریحا در ۱۹۵۵ به دنیا آمد و بعدها به ارتش پیوسته و به درجه سرهنگی رسید. او در سال ۱۹۸۳ عضو یک سازمان سکولار فلسطینی به نام "فتح ال انتفاضة" در لیبی بود. او سپس به سوریه رفت و رابطه نزدیکی با "ابو خالد ال املا" نفر دوم سازمان فتح ال انتفاضة برقرار کرد. مقامات سوری در سال ۲۰۰۰ ال عباسی را دستگیر کرده و به جرم قاچاق اسلحه در اردن و سوریه به سه سال زندان محکوم کردند. وی پس از آزادی به عراق رفت و در کنار نیروهای عراقی و "ال قاعده" بر علیه اشغالگران آمریکایی جنگید. در سال ۲۰۰۴ همراه با محاکمه "ابو موسی ال ذرکاوی" در اردن، او نیز به طور غیابی، به دلیل شرکت در ترور "لارنس فاوولی" دیپلمات آمریکایی، محاکمه و محکوم به مرگ شد. در این میان او مجدداً به سوریه بازگشت و با کمک ال املا در سال ۲۰۰۵ به لبنان رفت و دفتر سازمان فتح ال انتفاضة را در روستای "هلوا" در غرب "بکا" گشود. در سال ۲۰۰۶ در طی یک درگیری میان گروه ال عباسی و ارتش لبنان، یکی از عناصر تحت تعقیب از طرف سوریه کشته شد. دولت سوریه ال املا را دستگیر کرد و از او در باره ال عباسی اطلاعات گرفت. اما در این میان ال عباسی دره بکا را ترک کرد و در اردوگاه آوارگان فلسطینی به نام "نهرالبارد" در تریپولی، گروه فتح الاسلام را پایه گذاری نمود. ال عباسی اعلام کرد که می خواهد اسلام را به مرکز مبارزه فلسطین علیه اسرائیل باز گرداند.

سیمور هرش، روزنامه نگار مجله نیویورکر، در مارس ۲۰۰۷ در مقاله ای نوشت که دولت لبنان از گروه فتح الاسلام برای مقابله با حزب الله استفاده می کند. این ادعا بعداً از طرف دکتر فرانکلین لامب، متخصص مسائل لبنان و حزب الله، تأیید گردید. او می گوید که دیوید ولش معاون وزیر امور داخلی آمریکا با سعودی ها و سعد الحریری با حمایت دولت آمریکایی سینیورا به گروه سنی مذهب فتح الاسلام برای مبارزه با شیعیان حزب الله کمک می رساند. این گروه به ظاهر متشکل از ۱۵۰ تا ۲۰۰ جوان مسلح است و از این تعداد بسیاری اهل عربستان، سوریه، لبنان و دیگر کشورهای عربی هستند. بمب گذاری در سال ۲۰۰۶ در آلمان، انفجار یک مینی بوس در ۱۳ فوریه ۲۰۰۷ در لبنان و ترور چندین سیاستمدار مخالف سوریه در لبنان، به حساب این گروه گذاشته شده است.

### چرا ارتش لبنان با این گروه درگیر شده است؟

در ۱۸ ماه مه ۲۰۰۷ در یک دزدی مسلحانه مبلغ ۱۲۵ هزار دلار از بانکی در شهر امیون در شمال لبنان ربوده می شود. یک روز بعد پلیس رد زندان را تا آپارتمانی در تریپولی که مقر گروه فتح الاسلام بود دنبال می کند. مردان مسلح مقاومت کرده و درگیری با پلیس پس از سه روز و با انفجار محل توسط آخرین نفر در آپارتمان به اتمام می رسد. در حالی که تعدادی از اعضاء این گروه در این محل کشته شدند، بقیه اعضا در کمپ نهرالبارد مستقر شده و مواضع ارتش لبنان در مناطق ورودی به کمپ را اشغال کردند. بر اساس یک موافقتنامه میان اعراب در سال ۱۹۶۹ ارتش لبنان اجازه ورود به اردوگاه های آوارگان فلسطینی را ندارد. اما همانطور که در اخبار چند هفته گذشته شاهد بوده ایم، آوارگان فلسطینی ساکن اردوگاه مجدداً آواره شهرهای دیگر گردیدند، علیرغم آنکه اکثریت آنان هیچگونه ارتباطی با این گروه ندارند و ارتش لبنان علیرغم ورود به اردوگاه هنوز نتوانسته است اعضای این گروه را دستگیر نماید. اما ببینیم اساساً چرا این درگیری آغاز شد و سرمنشاء این مسائل در کجا است.

برای درک این درگیری باید به تاریخچه تاریک گروهی دیگر بپردازیم. دیوید ولش، معاون کوندولیزا رایس، موسس گروهی است در لبنان به نام کلپ ولش. رئیس این کلپ الیوت ابرامس مرد شماره یک دولت بوش بوده و اعضای آن عبارتند از: فواد سینیورا، جنگ طلب مشهور ولید جنبلاط از حزب دروزی ها، سمیر جعجع رهبر فالانژ های لبنان <

که به دلیل کشتار مردم غیر نظامی در صبرا و شتیلا ۱۱ سال در زندان به سر برد و بعداً با عفو سعد حریری از زندان بیرون آمد، سعد حریری بلیونز، وابسته به عربستان سعودی و بنیان گذار جریان "آینده سنی".

جریان آینده سنی با بوجود آوردن هسته های کوچک از سنی های مخالف شیعیان برنامه های کلپ ولش را به اجرا گذاشته و تلاش می کند تا حزب الله لبنان را از معادلات سیاسی خارج نماید. اولین گروه نظامی که توسط این کلپ حمایت می شد، گروه جند ال شام (سربازان شام که در عربی به منطقه سوریه، لبنان، فلسطین و اردن گفته می شود) بود که در اردوگاه آوارگان فلسطینی نزدیک سیدون تشکیل گردید. دومین گروه مورد حمایت کلپ، فتح الاسلام است. به هر کدام از اعضای این گروه ها تا ۷۰۰ دلار در ماه حقوق پرداخت می شد که با توجه به وضعیت اقتصادی لبنان و فقر موجود، بخصوص در اردوگاه های فلسطینی، مبلغ هنگفتی می باشد. در سال ۲۰۰۵ بر اساس گزارش گروه بین المللی بحران مستقر در آمریکا، سعد حریری ۴۸۰ هزار دلار را بین گروه های کوچک سنی در شمال لبنان که اعضای آن ها در افغانستان و توسط ال قاعده تعلیم دیده بودند، پخش کرد. او همچنین با داشتن اکثریت در پارلمان، به ۲۲ نفر از اعضاء باند اسلامی "دینیه" که به دلیل تلاش برای بمب گذاری در سفارت های اوکراین و ایتالیا در بیروت دستگیر شده بودند، عفو داده و آنها را از زندان آزاد کرد.

به نظر می رسد که حزب الله لبنان به اطلاعاتی دست یافت که نشان می داد این دو گروه تحت رهبری مستقیم سعد حریری در نظر دارند جنگ شیعه و سنی را در لبنان راه بیندازند. به دنبال درز این اطلاعات، کلپ ولش پرداخت حقوق به سربازان این دو گروه را قطع نمود. بدین ترتیب اعضای فتح الاسلام در واقع حقوق پرداخت نشده خود را از بانک ربودند. نیروهای امنیتی بلافاصله به مقر آنان در تریپولی حمله کردند ولی نتوانستند با مردان تا دندان مسلح مقابله کنند. ارتش لبنان مجبور به دخالت گردید و همانطور که گفتیم بخشی از اعضای گروه که در آپارتمان بودند در این درگیری کشته شدند.

ارتش لبنان در حال حاضر در موضعی سخت قرار گرفته است. از یک سو سربازان اجازه ورود به اردوگاه را ندارند و با ورود به آن، صفحه جدیدی در معادلات سیاسی لبنان گشوده خواهد شد. از طرف دیگر، در صورت تضعیف ارتش، موضع کلپ ولش در لبنان محکم می گردد و این به نفع هیچکدام از نیروهای ضد سیاست های آمریکا و اسرائیل در منطقه نیست. کلپ در سال گذشته تلاش کرد تا ریاست جمهوری را به دست آورد اما با شکست مواجه شد. در نتیجه با داشتن اکثریت پارلمانی تلاش می کند تا نقش ریاست جمهوری را به نقشی سمبلیک تقلیل دهد. سپس کلپ تلاش کرد تا کمیته پارلمانی قانون اساسی که کلیه سیاست های اجرائی دولت را کنترل می کند تحت پوشش خود درآورد. اما پس از شکست موفق شد از طریق مجلس این کمیته را کاملاً از میان بردارد.

کلپ ولش همچنین تلاش کرد تا با استفاده از ارتش، حزب الله لبنان را خلع سلاح نماید اما ارتش لبنان از این اقدام خودداری نمود. در نتیجه اسرائیل با هماهنگی با آمریکا جنگ تابستان ۲۰۰۶ را به راه انداخت تا در طی آن بتواند حزب الله را از نظر نظامی از میان بردارد. ارتش لبنان از نظر دولت بوش مانعی برای اجرای سیاست های آمریکا و اسرائیل در منطقه است. اولاً اگر ارتش تضعیف گردد، ۷۰ درصد مسیحیان لبنان که طرفدار جنبش آزاد وطن پرستان به رهبری میشل آون هستند، حامی دیگری نخواهند داشت و اقلیت طرفدار فالانژها می توانند به عنوان نماینده مسیحیان در لبنان ظاهر گردند. دوماً با ارتشی ضعیف لبنان دیگر نخواهد توانست به حمایت از خواست بازگشت آوارگان فلسطینی و حفظ تمامیت ارضی لبنان کاری انجام دهد.

به قول سیمور هرش، دولت بوش ابتدا این گروه را مسلح نمود تا اهدافی را که اسرائیل نتوانست از طریق نظامی به آن برسد به سرانجام رساند و وقتی که "دوره مفید" این گروه به اتمام رسید، به ارتش لبنان کمک می کند تا آن را از میان بردارد. ولی واقعیت این است که آمریکا و اسرائیل خواهان لبنانی ضعیف هستند و می خواهند به هر طریق که شده لبنان و سوریه را مانند عراق به بانئوستان هایی متشکل از اقلیت ها تقسیم کنند. □